**«جنگ مهدوی» مجموعه ای ادبی، عرفانی، فلسفی**

**نویسنده : منوچهری، حسین**

جُنگ مهدوی (چاپ عکسی از روی نسخه خطی کتابخانه دکتر اصغر مهدوی). مرکز نشر دانشگاهی. تهران 1380. 590 صفحه (متن) + سی صفحه (دیباجه). وزیری.

از دیرباز، ارباب علم و اصحاب قلم به ثبت نکات، ظرائف، اشعار، اخبار و احادیث ، و دیگر متنوعّات علمی، ذوقی و هنری که در منابع مطالعاتی مکتوب و مدوّن خود، و یا در السنه و افواه اکابر قوم می‏یافتند اهتمام و اقدام می‏کرده‏اند.

چنین آثاری که غالبا در دفاتر به صورت دست‏نویس باقی مانده‏اند به نامهای «جُنگ»، «بیاض»، «نسخه»، «مسودّه» و غیره مشهورند و در گوشه و کنار خانه‏ها و لابه‏لای کتابها و اثاث‏البیت متروک و مهجور.

جُنگها بعضا به دلایلی از قبیل نفیس بودن، قدمت کتابت، شیرین و جذّاب بودن مطالب، علاقه خاصّ صاحبان آنها یا وارثان ایشان طبع و انتشار می‏یافته‏اند؛ چنانکه مثلاً «کشکول» شیخ بهائی و شیخ یوسف بحرانی و یا «الکلام یجرّ الکلام» مرحوم آیة‏اللّه سید احمد زنجانی را می‏توان در اصل، از همین دست آثار به شمار آورد.

«جُنگ مهدوی» نیز از همین زمره آثار است که اخیرا به صورت عکسی از روی نسخه خطی آن، زیر نظر آقای دکتر نصرالله پورجوادی، در قالب کتابی منتشر شده و در اختیار محققّان و دوستداران این نوع آثار قرار گرفته است.

استاد پورجوادی در دیباجه «جُنگ» آورده‏اند: «بزرگترین مخازن کتابهای خطی در کشور، کتابخانه‏های عمومی نظیر کتابخانه مجلس و کتابخانه ملی و کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران و کتابخانه آستان قدس رضوی در مشهد است. در کنار این کتابخانه‏ها، کتابخانه‏های مهم دیگری هم هست ... که ابتدا شخصی و خصوصی بوده و بعدا جنبه عمومی پیدا کرده‏اند ... کتابخانه‏های شخصی دیگری نیز هست که ... جنبه عمومی پیدا نکرده است. یکی از اینها کتابخانه خانواده مهدوی است ... که دارای حدود یکهزار جلد کتاب خطی است و در بسیاری موارد، در هر جلد چندین کتاب و رساله به فارسی و عربی درج شده است ... یکی از این کتابها که چند سال پیش نظرم را به خود جلب کرد جُنگی بود که در آن مطالب گوناگون فلسفی و عرفانی و اشعار متنوع صوفیانه و عرفانی، هم به فارسی و هم به عربی درج شده بود و [مرحوم استاد] دانش‏پژوه در فهرست خود اسامی نویسندگان و شعرایی را که از آنها مطلبی در این جُنگ نقل شده است ذکر کرده و همین اسامی است که نظر مرا نسبت به این مجموعه جلب کرد ...» (ص 6 ـ 3)

با همه تنوّع و گستردگی و پراکندگی مطالب در «جُنگ مهدوی»، به یاری فهرستهای متعدد و در عین حال مفیدی که به پایمردی آقای مهدی قمی‏نژاد تهیه شده است، احاطه سریع و دستیابی نسبتا آسان بر مطاوی آن میسّر می‏شود. این فهرستها که البتّه غیر از فهرست مطالب مندرج در مدخل جُنگ است صفحات 541 تا 590 را دربرمی‏گیرد و مشتمل بر آیات قرآنی، اعلام، اقوام، کتابها، اماکن جغرافیایی و وقایع، ابیات عربی و فارسی است.

در تأیید آنچه که آقای دکتر پورجوادی در دیباجه آورده‏اند: «... در بسیاری موارد، در هر جلد چندین کتاب و رساله به فارسی و عربی درج شده است ...»، کتابها و رساله‏هایی به شرح زیر را در زیرمجموعه «جُنگ مهدوی» می‏بینیم:

1) «کتاب نثرالّلآلی من کلام مولانا امیرالمؤمنین علی بن ابی‏طالب صلوات الله و سلامه علیه علی ترتیب حروف المعجم رواه الشیخ الأجلّ ابوعلی الطبرسی صاحب مجمع البیان برّد الله مضجعه»: این بخش که در صفحات 1 تا 4 به خط خوش‏نستعلیق شکسته آمده است، کلمات قصار علوی را به ترتیب حروف الفباء دربردارد. مثلاً: [حرف همزه] «إیمان المرءِ یُعرف بأَیْمانه»، «إخوان هذا الزّمان جواسیس العیوب» ... [حرف باء]: «باکِر تَسعَد»، «بلاء الإنسان مِن الّلسان»... و به همین ترتیب تا آخرین حرف، [حرف یاء]: که با این گفتار دلکش آن حضرت پایان می‏پذیرد: «یَبلُغ المرءُ بالصّدق الی منازل الکبار».

2) «کلماتٌ مسجّعةٌ مقفّاةٌ تشتمل علی الحِکَم والآداب»: در این بخش نیز که صفحات 32 تا 34 را به خود اختصاص داده است سخنان کوتاه و موزون و مسجّعی نقل شده است که گوینده آنها شناخته نیست، و در واقع امثال و حکمی است که ملاک ترتیب در آنها حرف پایانی سخن است: «إذا حاق القضاء ضاق الفضاء» [همزه]، «ما آب مَن خاب» [باء]، «إلزم الصّمت تأمن المقت» [تاء]، «الأدب افضل اثاث» [ثاء] ... تا آخر.

3) وصایایِ ارسطو (ص 76)، افلاطون (ص 83 و 340)، ابن‏مقفّع (ص 90)، ابوالحسن عامری (ص 113) و مواعظ و نصایحی از بزرگان حکمای یونانی، ایرانی و اسلامی که در جای جای جُنگ ملاحظه می‏شود.

4) بخش قابل ملاحظه‏ای از «جُنگ مهدوی» را نکته‏ها، نادره‏ها و لطیفه‏ها تشکیل می‏دهد که مایه‏های طنز و ظرافت در آنها پیداست؛ گو اینکه برخی از آنها رکیک و غیراخلاقی است و با موازین تربیتی سازگاری ندارد. از باب نمونه به یکی دو لطیفه اشاره می‏شود:

اصمعی می‏گوید: اعرابیی را دیدم که جامه خود را می‏گشت و ککها را می‏کشت امّا به شپشها کاری نداشت. علّت را پرسیدم، گفت: اوّل به سواره نظام حمله می‏کنم بعدا به پیاده نظام!

اعرابیی به امام جماعت اقتدا کرد. امام این آیه را خواند: «قل أرأیتم إن اهلکنی الله و مَن معی ...» [بگو چه می‏پندارید اگر خدا من و همراهانم را نابود کند ...] اعرابی نماز را قطع کرده گفت: خدا ترا نابود می‏کند بکند، دیگر به همراهان چه کار داری؟!

روزی متوکّل ـ خلیفه عباسی ـ از حاضران پرسید می‏دانید اولین ایرادی که مسلمانان به عثمان گرفتند چه بود؟ یکی از آنان پاسخ داد: بلی یا امیرالمؤمنین؛ پس از رحلت پیامبر (ص) خلیفه اول یک پله پایین‏تر از جایگاه آن حضرت بر منبر نشست و پس از درگذشت او نیز خلیفه دوم یک پله پایین‏تر از خلیفه اوّل؛ امّا عثمان این ادب را رعایت نکرد و چون خلیفه شد، بر بالای منبر و در جای پیامبر (ص) قرار گرفت. در حالی که مردم توقّع داشتند به شیوه دو خلیفه پیشین، یک پله پایین‏تر از جایگاه خلیفه دوم اختیار کند. ظریفی که در مجلس حاضر بود رو به متوکّل کرده گفت: انصافا عثمان حقّ بزرگی به گردن شما دارد. چرا که اگر او در پله سوّم و خلفای بعد از او نیز هر یک، یک پله پایین‏تر می‏نشستند امروز شما باید از قعر چاه جلولاء با ما سخن می‏گفتید! گویند متوکل از این سخن چندان خندید که بر قفا افتاد.

5) نامه‏ها، دعاها، معمّاها، تک‏بیتیها، دوبیتیها، قصاید، نکته‏ها، نصایح، مواعظ و دیگر آثار برجسته مرویّ از رسول خدا (ص)، امیرمؤمنان علی (ع)، امام زین‏العابدین (ع)، امام جعفر صادق (ع)، امام رضا (ع)، توراة، بزرگمهر، انوشیروان، قابوس وشمگیر، بوعلی سینا، فارابی، فخر رازی، بایزید بسطامی، شبلی، جنید بغدادی، معروف کرخی، ابراهیم ادهم، غزالی (محمّد و احمد)، محیی‏الدین عربی، شیخ طوسی، سهروردی، ابن‏فارض و دهها تن از حکماء و فرزانگان و ادیبان و شاعران و عارفان و صوفیان، از دیگر مندرجات این دفتر ارزشمند است.

6) صفحات 231 تا 266 جُنگ با عنوان «مختارات من ربیع‏الأبرار»، مشتمل بر ابوابی چند به ترتیب حروف الفباء، و متضمّن احادیث، کلمات قصار، اقوال پیامبران و ائمّه و بزرگان، و جریانات تاریخی است: ابواب مذکور حول موضوعاتی از قبیل: لهو و لذّات، قضاء و شهادت، جود و کرم، عشق، عقل و زیرکی، رنج و عمل، علم و ادب، جَنگ، مکر و فریب، اندوه و ستوه، تکبّر، جنون و حماقت، خیانت و گناه، شرم و سکوت، تدبیر و نیرنگ، خیر و صلاح، خَلق و خُلق، بدگویی، ذکر و نیایش خدا، آداب معاشرت، سیر و سفر و .. گردآوری و ثبت گردیده است.

7) دو نسخه متفاوت از شرح نمط نهم اشارات ابن‏سینا که موضوع این نمط «مقامات عارفان» است؛ خطبه معجزه‏آسایی از امیرمؤمنان علی (ع) که در سراسر آن کلمه‏ای که الف داشته باشد به کار نگرفته‏اند و آن حضرت این خطبه را ـ به روایت محمد بن سائب از امام صادق (ع) - به دنبال گفتگوی صحابه دایر بر اینکه از مجموع حروف بیست و هشتگانه، حرف الف بیشترین حضور و کاربرد را در کلمات دارد، فی‏البداهه ایراد فرموده‏اند: [حَمِدْتُ مَن عَظُمَتْ مِنَّتُهُ وَ سَبَغَتْ نِعْمَتُهُ و سَبَقَتْ رَحْمَتُهُ و تَمَّتْ کَلِمَتُهُ ...]؛ سخنی از فخر رازی در تفسیر «و هو أسرع الحاسبین»، و نیز نامه‏ای که وی به هنگام اقامت در هرات، برای صدرالدین علی بن ناصر الحسینی سرخسی ـ مقیم نیشابور ـ نوشته و در ظهر آن خبر داده است که: «و لقد صنّفت تفسیرا کبیر العلّة تبلغ ألفا و خمسمائة جزؤا أو أکثر ...»؛ رساله‏ای از ابن‏سینا در باب معاد و رسائلی دیگر از وی در موضوعاتی دیگر؛ رساله کندی درباره نفس که وی در آن، اقوال ارسطو، افلاطون و دیگر فلاسفه را تلخیص و نقل کرده است؛ رساله‏ای در باب عشق و مراتب آن (عشق کلی، عشق جواهر بسیط، عشق کانیها، عشق جانوران، عشق شیفتگان، و عشق نفوس الهی)؛ حدیث نفس ادریس پیامبر (ع) در سیزده فصل: «یا نفس! تصوّری و تمثّلی ما أنامورده لک من المعانی العقلیة ... یا نفس! لاتذمّی الدنیا فتقولی هی دار خدیعة ... یا نفس! انّ الأعراض الحالة فی الجوهر ... و أَبَت الاّ الإختلاف و المضادّة ...، یا نفس! عالم الطبیعة صفو و کدر فتجرّعی کدره قبل صفوه ... یا نفس! انّ العقل لیس هو شیئا غیر التصوّر و التمثّل ... یا نفس! إنّه لو شرب شارب من الماء ... یا نفس! حتّی متی انا سائقک الی طریق النجاة ... یا نفس! انّه من کان له حبیب فققده ثمّ وجد ... یا نفس! انّه مِن أصعب الأشیاء و أشدّها امتناعا أن یُعمل عمل الصّیاغة بأداة الفلاحة ... یا نفس! إنّی لاَءُمثّل حالک و یطول تعجّبی له ... یا نفس! هذا عالم الطّبیعة قد وردتِه و اختبرتِه ... یا نفس! إنّه مَن غرس شجرة الصّبر أثمرت له الظّفر .. یا نفس! ینبغی أن تعلمی و تتحقّقی و تیقّنی انّ حدّ اللّذة هو لایُمِلّ ...»؛ عهدنامه مأمون عباسی، و به دنبال آن عهدنامه حضرت رضا (ع) در خصوص ولایت‏عهدی آن حضرت، که اوّلی با عنوان «هذا العهد بخطّ المأمون بن هارون الرشید» به تاریخ دوشنبه 7 رمضان سال 201 ه . ق؛ و دومی با عنوان «هذا خط الإِمام المعصوم علی بن موسی الرضا صلوات الله علیه و علی آبائه المعصومین» درست یک سال بعد یعنی در ماه رمضان سال 202 ه . ق تحریر شده است؛ ترجمه عربی قسمتی از کتاب «جاودان خرد» که جاحظ در پایان آن گفته است: «حسن بن سهل ـ برادر فضل بن سهل (ذوالریاستین) ـ گوید: این است آنچه ترجمه آن از اوراق برگرفته از کتاب «جاودان خرد» برای ما میسور افتاد ...»

\*

آنچه شرح داده شد، گزارش گونه‏ای از «جُنگ مهدوی» بود. ناگفته پیداست که چاپ عکسیِ نسخه خطّی کتاب حاضر اقدامی است بس ستودنی و شایسته تقدیر. لیکن با کاربردی کردن آن (بازخوانی، تتمیم و تکمیل مطالب ناقص و ناخوانا، تنظیم مطالب، حذف زوائد و مکررّات، و کارهای ذوقی دیگری از این قبیل) می‏توان از «جنگ مهدوی»، «مجموعه معارف مهدوی» پدید آورد.